تاریخ

نگاهی به اولین بازی‌های ایران در جام‌های جهانی

چالش سخت نخستین

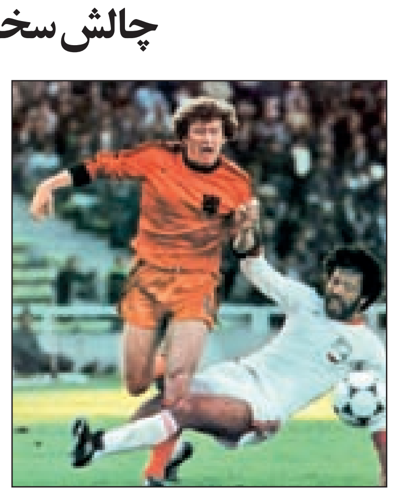

«وارد سرزمینی بیگانه می‌شویم. دنیایی میان دنیاها. منطقه عبوری که ممکن است متروک و خالی از سکنه یا در جاهایی سرشار از زندگی باشد. وجود موجودات دیگر را احساس می‌کنید. نیروهای دیگری با تیغ‌ها یا چنگال‌های تیز که از مسیر منتهی به گنج محافظت می‌کنند. اما اکنون برگشتی در کار نیست و همه آن را احساس می‌کنیم. خوب یا بد، ماجرا آغاز شده». کریستوفر ووگلر، نویسنده کتاب «سفر نویسنده» شروع ماجراجویی قهرمان را به این شکل ترسیم می‌کند. اولین قدم‌ها. اولین مراحل. اولین درهایی که قهرمان باید از آن عبور کند. قهرمان یا در همان اولین آستانه تن به تسلیم می‌دهد یا با عبوری مقتدرانه خودش را به خوبی در مسیر موفقیت قرار می‌دهد. بازی‌های اول جام جهانی برای هر تیمی همان حکم عبور از اولین آستانه در سفر قهرمان را دارد. می‌گویند شروع تورنمنت بسیار مهم است. برای همه تیم‌ها. اما بازی اول جام جهانی روسیه برای ما از همیشه مهم‌تر است. می‌دانیم که اگر مراکش را شکست دهیم چقدر امیدوار می‌مانیم و اگر نتیجه نگیریم تقریبا جام جهانی را از دست داده‌ایم. به همین بهانه می‌خواهیم نگاهی بیندازیم به اولین بازی‌های ایران در ادوار گذشته جام جهانی.

جام جهانی ۱۹۷۸

ایران برای اولین‌بار در جام جهانی حاضر می‌شود. می‌گویند آن زمان مردم فکر می‌کردند که تیم می‌تواند در جام جهانی به موفقیت برسد. رژیم پهلوی این جو را راه انداخته بود. ایران بازی‌های دوستانه زیادی قبل از مسابقات برگزار کرد و با روحیه‌ای خوب راهی مسابقات شد. همه می‌گفتند که اگر بتوانیم یک تساوی مقابل هلند آماده بگیریم می‌توانیم به صعود امیدوار باشیم. اما نتیجه خیلی متفاوت‌تر از چیزی بود که فکر می‌کردیم. تابستان ۵۷ بود و امواج انقلاب آغاز شده بود. کاپیتان تیم (پرویز قلیچ‌خانی) هم به نشانه همراهی با انقلاب ملت ایران، حاضر نشد ایران را در جام جهانی رهبری کند. باخت سنگین سه بر صفر مقابل لاله‌های نارنجی امیدهای ما را برای درخشش بسیار کمرنگ کرد.

جام جهانی ۱۹۹۸

ما بعد از ۲۰ سال به آن شکل دراماتیک با پیروزی مقابل استرالیا دوباره به جام جهانی رسیده بودیم. قبل از شروع مسابقات حواشی زیادی گریبانگیر تیم بود. ایویچ اخراج شد و طالبی آمد. تیم ۹۸ یکی از آماده‌ترین تیم‌های دوران فوتبال ما بود. بازی اول مقابل یوگسلاوی. مربی آلمان، دیگر تیم همگروه ایران در آن دوره، قبل از بازی گفت که اگر یوگسلاوی ایران را ببرد یک توپ فوتبال را قورت خواهد داد. تیم بازی خوبی به نمایش گذاشت. یوگسلاوی پرقدرت حرف زیادی برای گفتن نداشت. اما یک ضربه کاشته و هنرنمایی میهایلوویچ و اشتباه نکیسای جوان باعث شد باز هم ما با باخت جام جهانی را آغاز کنیم.

جام جهانی ۲۰۰۶

گروه بدی نداشتیم. می‌گفتیم با یک تساوی مقابل مکزیک و شکست احتمالی مقابل پرتغال و برد جلوی آنگولا می‌توانیم شانسی برای صعود داشته باشیم. بازی را هم خوب شروع کردیم و مکزیک را تحت تاثیر قرار دادیم. گل خوردیم و گل زدیم. تا دقیقه ۷۶ که کعبی و میرزاپور و رحمان رضایی آن اشتباه سلسله‌وار را انجام دادند و گل دوم را خوردیم. بعد هم ضعف بدنی و از هم پاشیدگی ذهنی باعث شد بلافاصله گل سوم را هم بخوریم و تقریبا مطمئن شویم که این‌بار هم از گروه‌مان صعود نمی‌کنیم.

جام جهانی ۲۰۱۴

نیجریه حریف خوبی برای شروع بود. امتیاز گرفتن از این تیم محال نبود و می‌توانست ما را برای ادامه امیدوار نگه دارد. کی روش هم به خوبی این را می‌دانست. با یک بازی بسته و محکم و درگیرانه موفق شدیم برای اولین‌بار جام جهانی را بدون شکست آغاز کنیم. نیجریه هیچ فرصت خطرناکی نتوانست روی دروازه ما پدید بیاورد. برای اولین‌بار بعد از بازی اول نسبت به ادامه مسابقات ناامید نشده بودیم.

نگاه-۱

به افتخار مراکش

شیرهای اطلس

امیر رضا احمدی

بندر کازابلانکا، شتر سواری و کویر نوردی در صحراهای زیبا زیر آفتاب سوزان، مردمان سیه چرده و البته شهر زیبای شفشاون بر کرانه دریای مدیترانه، تصویری است که توریست‌ها و جهانیان از کشور مراکش (به عربی مغرب) دارند؛ کشوری عرب زبان با محوریت دین اسلام، که در شمال غربی آفریقا قرار دارد و با مساحتی بالغ بر ۷۱۲هزار کیلومتر مربع، جزو کشورهای قاره سیاه محسوب می‌شود. سرزمین نور و آفتاب اما در دنیای فوتبال نه با فرهنگ غنی و آثار باستانی فراوانش همچون معابد پادشاهان و قلعه‌های بازمانده از دوران روم شناخته می‌شود، نه حکومت پادشاهی و انقلاب‌های استقلال‌طلبانه و نه با صحراها و کویرهای شن و ماسه. اما در دامنه لغات فوتبالی‌ها، مراکش با حکیم زی یخ معنا می‌شود، با مهدی بن عطیه شناخته می‌شود و نام این کشور مترادف است با بازیکنی همچون امین هریت پدیده این فصل بوندس لیگا. بی‌شک این روزها هم کسی نه به تاریخ این کشور کاری دارد و نه به اینکه این کشور سال‌ها مستعمره اسپانیا و فرانسه بوده. همه نگاه‌ها این روزها به ساق‌های بازیکنان این سرزمین خلاصه می‌شود. شاگردان رنارد هروه که با شعار «شیرهای اطلس، افتخار مراکش» به روسیه سفر کرده‌اند، به واسطه همگروهی با اسپانیا و پرتغال این روزها بیشتر از گذشته نام‌شان شنیده می‌شود و به واسطه همگروهی با ایران، نام‌شان به صدر اخبار کشورمان رفته. بی‌شک وقتی کاناوارو نام مراکش را به عنوان همگروه ایران خارج کرد، خیلی‌ها به این تیم به عنوان یک لقمه چرب و نرم نگاه می‌کردند. اما این حریف چغر و بد بدن که اولین رقیب ایران در آوردگاه جهانی است مطمئنا دندان گیرتر از آن است که بتوان به سادگی روی برد مقابل آنها حساب کرد.

شاگردان هروه، به عنوان تیم اول از گروه C قاره آفریقا، مسافر روسیه شدند. آنها طی ۲۰ بازی که تحت هدایت مرد فرانسوی پا به میدان گذاشته‌اند، آمار ۱۰ پیروزی، ۵ تساوی و ۵ شکست را از خود ثبت کرده‌اند و در این مدت کوتاه موفق شدند در جام ملت‌های آفریقا (که البته با حضور بازیکنان لیگ‌های داخلی انجام شد و کیفیت پایین‌تری داشت) قهرمان شوند. شیرهای اطلس طبق پیش‌بینی‌ها با نیم درصد شانس، آخرین بخت قهرمانی در جام جهانی به شمار می‌روند اما نباید گول این آمارها را خورد؛ چرا که آنها در همین بازی‌های تدارکاتی پیش از سفر به روسیه، نشان دادند سرشار از انگیزه هستند تا در سرزمین تزارها یقه حریفان را بگیرند و شگفتی را در جام رقم بزنند. همه اینها هم باعث شده تا کارلوس کی روش برای دیدار اول تیم ملی کشورمان در مقابل مراکش، حسابی برنامه‌ریزی کند و تمام تمرکز خود را روی این تیم بگذارد تا بلکه بتواند خط حمله زهردار این تیم را مهار کند و سد دفاعی این تیم را بشکند. باید دید آیا پسران سرزمین نور و آفتاب می‌توانند در روسیه لقب شگفتی‌ساز را از آن خود کنند یا خیر.

یادداشت

درباره تی‌شرت هواداری تیم ملی ایران

سحر موسوی

آمیتیس مشایخی، کارشناس ارشد طراحی پارچه و لباس، با برند ورزشی آمیتیس و با الهام از چهره یوزپلنگ اصیل ایرانی دست به طراحی تی‌شرتی زده است که به گفته او تقدیم یار دوازدهم فوتبال ایران یعنی میلیون‌ها هوادار مشتاق و پرشور ایرانی که از جایگاه ویژه‌ای برخوردارند، می‌شود. در طراحی این اثر، تمامی خطوط کاملا دقیق و براساس چهره یوز اصیل ایرانی در نظر گرفته شده است. ویژگی‌هایی نظیر خط اشک، خط اخم و چشمان که وجه تمایز با سایر گونه‌های آن را مشخص می‌کند، کاملا در اثر مشهود و به صورت واقع گرایانه طراحی و به خطوط ورزشی تبدیل شده است. کشور عزیزمان ایران در حالی در جمع ۵ کشور دارای نازیباترین کیت‌های حاضر در جام جهانی قرار می‌گیرد که ژاپن، تنها با استفاده از المان‌های نوستالژیک و کارتونی انیمیشن معروف فوتبالیست‌ها به راحتی توانسته است عنوان زیباترین لباس جام جهانی ۲۰۱۸ را به دست بیاورد. مساله قابل تامل این است که برند جهانی و نام‌آشنایی چون آدیداس که این روزها نشان آن روی پیراهن تیم ملی ایران خودنمایی می‌کند، همزمان بهترین کیت و بدترین کیت‌های حاضر در یک تورنمنت را طراحی کرده است و این خود تلنگر بجایی است به ایران و طراحان ایرانی که ریشه‌های فرهنگی و نوستالژیک را جدی گرفته و با بهره‌گیری از آنها خود دست به ایجاد طرح‌های جدید و متنوع بزنند. امید است با تحقیق و بررسی و حمایت‌های لازم شاهد خودکفایی و درخشش کشور در زمینه تولید لباس در عرصه‌های بین‌المللی باشیم.

طراح لباس

گزارش

در اهمیت میزبانی جام جهانی

جنگ سرد سیاست و اقتصاد

۲۰۰ هزار شغل، ۲۷ هتل و ۱۳ بیمارستان جدید سوغات جام جهانی برای روسیه

رشد تولید ناخالص داخلی روسیه: ۳۰ میلیارد دلار در ۱۰ سال

علی کربلایی

کسب میزبانی جام‌جهانی یکی از پیچیده‌ترین پروسه‌های ممکن را دارد و کشوری که می‌خواهد به این مهم دست پیدا کند، باید از قدرت سیاسی و دیپلماتیکش نهایت استفاده را ببرد. لابی‌های زیادی انجام می‌شود و برای خریدن رای کشورهای ممتنع خرج‌های هنگفتی می‌کنند. در مورد تمام میزبانی‌های جام‌جهانی در طول تاریخ مناقشات زیادی شکل گرفته و همواره کشور میزبان به عدم رعایت اخلاق متهم شده‌اند. این مورد حتی در مورد کشوری مثل آلمان که کسی توقع فساد در آن را ندارد هم رخ داده و برای کسب میزبانی مبالغی به عنوان رشوه به نمایندگان برخی کشورها پرداخت کرده بودند. اما این میزبانی چه ره آوردی دارد که کشورها حاضرند برای به دست آوردن آن هر کاری انجام بدهند؟ سود حاصل از برگزاری این تورنمنت برای میزبانان چقدر است و آیا از منظر اقتصادی برگزاری جام‌جهانی به‌صرفه هست یا نه؟ در ادامه، همه این موارد را بررسی می‌کنیم.

دولت روسیه عنوان کرده برای تامین شرایط میزبانی و برگزاری بازی‌ها با بالاترین کیفیت ممکن، تاکنون چیزی حدود هفت میلیارد دلار خرج کرده است. این هزینه‌ها عمدتا برای زیرساخت‌ها و امکانات سخت‌افزاری برگزاری جام بوده است. سایت فیفا اعلام کرده که ۱۲ استادیوم ورزشی در یازده شهر با ظرفیت ۵۵۰ هزار نفر در روسیه میزبان بازی‌ها هستند. ۲۷ هتل جدید، ۱۳ بیمارستان و ۱۲ ایستگاه برق برای برگزاری بهتر مسابقات ایجاد شده است و برای بازسازی یا ساخت ۱۰ استادیوم ۱۳ هزار نفر به کار گرفته شدند. برگزاری جام جهانی در روسیه ۲۰۰ هزار شغل ایجاد کرده است. با بالا رفتن قیمت کالاها به‌خاطر افزایش تقاضا، تولیدکنندگان و فروشندگان هم سود سرشاری نصیب‌شان می‌شود. صنایع دستی روسیه و تولیدکنندگان خرده هم حتی از این بازار بزرگ سهمی دارند و اوضاع‌شان در یک ماهه برگزاری بازی‌ها از این رو به‌آن رو خواهد شد. بخش مهمی از این خرج صرف زیرساخت‌ها شده و روس‌ها بعد از پایان رقابت‌ها هم می‌توانند از این ساخته‌ها استفاده کنند. پیش‌بینی می‌شود در طول برگزاری مسابقات، دومیلیارد و سیصد میلیون دلار توسط توریست‌ها وارد روسیه شود و رشد اقتصادی سرزمین تزارها یک تا دو درصد افزایش پیدا کند. همچنین استفاده از شیوه خرید با کارت اعتباری چهل درصد در این کشور بیشتر از قبل می‌شود. اینها درآمد و تاثیر مستقیم توریست‌ها برای روسیه در زمان برگزاری جام‌جهانی هستند. موسسه اقتصادی مککنزی می‌گوید سود نهایی روسیه از برگزاری جام‌جهانی بیش از ۱۳ میلیارد دلار خواهد بود. اما از طرفی دیگر برخی پیش‌بینی‌ها پا را از این هم فراتر می‌گذارند. طبق گزارشی جدید از آسوشیتدپرس درباره تاثیر اقتصادی مسابقات جام جهانی، رشد تولید ناخالص داخلی روسیه می‌تواند در یک بازه ۱۰ ساله از ۲۰۱۳ تا ۲۰۲۳ به ۲۶ تا ۳۰،۸ میلیارد دلار برسد. همچنین روسیه بعد از جام‌جهانی دچار تورمی دو تا سه درصدی خواهد شد. این سود اقتصادی پر ریسک، تنها دلیل کشورها برای این تلاش بی‌وقفه نیست. بهره‌برداری‌های سیاسی یکی از دلایل توجیه‌کننده برای این همه تلاش است. به‌خصوص در مورد روسیه و قطر، استفاده سیاسی نسبت به بهره‌برداری اقتصادی از اولویت برخوردار است. در سال‌هایی که داعش در فرانسه در حین برگزاری دیدار تیم ملی این کشور با آلمان اقدام به بمب‌گذاری و گروگان‌گیری می‌کند، روسیه قبول می‌کند بیش از یک‌ونیم میلیون نفر بدون ویزا وارد کشورش شوند یک نمایش اقتدار برای پوتین است و جایگاه سیاسی او را به عنوان مرد اول جهان تثبیت می‌کند. در مورد قطر هم اوضاع مشخص است. این کشور می‌خواهد موجودیت خودش را به عنوان یک قدرت منطقه‌ای تثبیت کند. برگزاری تورنمنتی مثل جام‌جهانی در یک کشور به‌این کوچکی سابقه نداشته و قطر با این کار یک رزمایش اقتدار بزرگ برگزار خواهد کرد. بخش بسیار مهمی از این جنگ سرد برای به دست آوردن میزبانی جام‌جهانی همین مسائل سیاسی است. نگاه مردم به کشوری که جام‌جهانی برگزار می‌کند به شکل دیگری است و سیاستمداران از محبوبیت فوتبال برای رسیدن به اهداف خودشان استفاده می‌کنند. یکی از دلایل اعتراضات چند هزار نفره در برزیل در خلال برگزاری جام‌جهانی همین مساله بود که معتقد بودند دولت در حال بهره‌برداری سیاسی از این بازی‌هاست و سیاستمداران می‌خواهند به‌واسطه فوتبال ضعف‌های خود در زمینه سیاست داخلی و اقتصاد را پوشش بدهند. یکی از مسائل مهم اینجاست که روسیه و قطر در راه کسب میزبانی جام‌جهانی، کشورهایی مثل انگلستان و امریکا را شکست دادند. این دو کشور با توجه به‌زیرساخت‌هایی که در اختیار دارند می‌توانند بدون کوچک‌ترین هزینه‌ای میزبانی جام‌جهانی را عهده‌دار شوند. اما روسیه، قطب مخالف امریکا در جهان یکی از میزبانی‌ها را مال خود کرد و قطر کوچک هم موفق شد یکی دیگر از میزبانی‌ها را بگیرد. نتیجه این اتفاقات این شده که نیروهای اطلاعاتی امریکا و انگلیس به‌صورت جدی به‌موضوع فساد در فیفا ورود کردند و پلاتینی و بلاتر جایگاه‌شان را از دست دادند. اینها همه نشان‌دهنده یک جنگ پنهان در خفا برای جبران از دست دادن میزبانی توسط رقبا بود.

به‌موضوع اقتصاد باز می‌گردیم. در این دوره از جام‌جهانی فیفا برای تیم قهرمان ۳۸ میلیون دلار پاداش در نظر

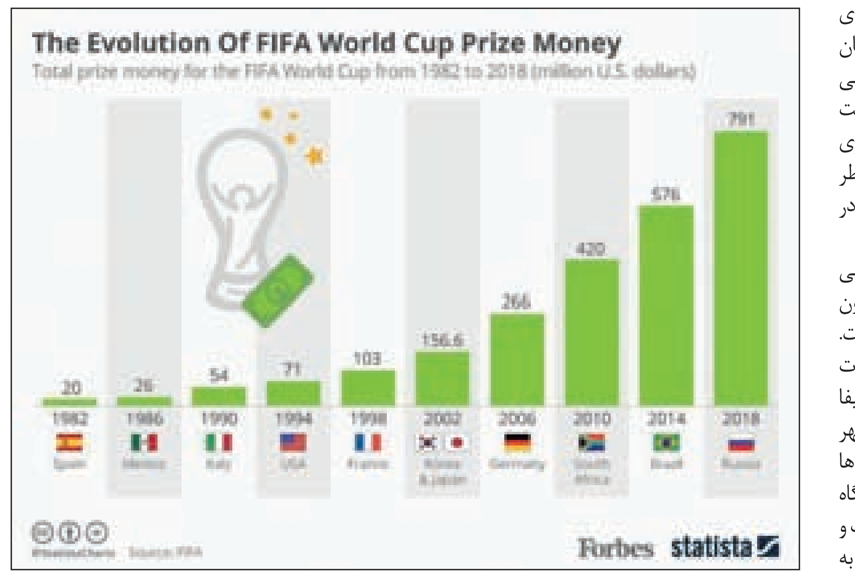

جوایز نقدی جام جهانی ۲۰۱۸ با ۴۲ میلیون دلار افزایش نسبت به دوره قبلی به ۴۰۰ میلیون دلار رسید

- ۸۰ میلیون دلار برای ۱۶ تیمی که در مرحله گروهی حذف می‌شوند. (۱۲۸ میلیون دلار)
- ۱۲۰ میلیون دلار برای ۸ تیمی که در یک هشتم نهایی حذف می‌شوند. (۹۶ میلیون دلار)
- ۱۶۰ میلیون دلار برای ۴ تیمی که در یک چهارم نهایی حذف می‌شوند. (۶۴ میلیون دلار)
- ۲۲۰ میلیون دلار برای تیم چهارم
- ۲۴۰ میلیون دلار برای تیم سوم
- ۲۸۰ میلیون دلار برای نایب‌قهرمان
- ۳۸۰ میلیون دلار برای قهرمان

* هر ۳۲ تیم البته ۱،۵ میلیون دلار هم پیش از آغاز تورنمنت بابت آماده‌سازی و تدارکات از فیفا می‌گیرند.

نگاه-۲

افتتاحیه بی‌رمق

دمای هوای روسیه در زمان برگزاری بازی‌های جام‌جهانی در گرم‌ترین حالت خود قرار دارد. اما سطح بازی افتتاحیه و دیدار بین عربستان و روسیه، باعث شده تا مردم برای گرم کردن خودشان به‌فکر چاره‌ای به‌جز تماشای بازی روسیه و عربستان باشند. هرچه‌قدر که افتتاحیه جذاب جام‌جهانی برزیل تحت تاثیر بازی فوق‌العاده کرواسی مقابل این تیم قرار گرفت و کسی بعد از پایان بازی دیگر از مراسم افتتاحیه صحبت نمی‌کرد، این دوره برعکس خواهد بود. یعنی افتتاحیه در هر سطحی هم که باشد، تا پیش از برگزاری دیدار بین اروگوئه و مصر، در صدر اخبار رسانه‌ها باقی خواهد ماند. بعد از صحبت‌های پلاتینی مبنی بر اینکه در جام‌جهانی فرانسه قرعه‌ها جوری تنظیم شد که برزیل و فرانسه در فینال به هم بخورند، می‌توان به گروه ساده روسیه هم مشکوک شد. با وجود اینکه همچنان شانس میزبان برای صعود بسیار کم است، اما هیچ ابرقدرتی در این گروه حضور ندارد تا این تیم را مقابل هواداران خودی تحقیر کند. تیم سید چهارم این گروه یکی از ضعیف‌ترین تیم‌های جام است و اروگوئه از قوی‌ترین تیم‌هایی نبود که می‌توانست مقابل روسیه قرار بگیرد. به همین خاطر چند وقتی است که صحبت‌هایی بین مردم مطرح می‌شود که شاید اتفاقات این گروه جوری رقم بخورد که میزبان حداقل تا مرحله اول حذفی بتواند صعود کند. در ادامه نگاهی خواهیم داشت به سایر افتتاحیه‌های جام‌جهانی در ادوار گذشته و با مقایسه بین این بازی‌های گذشته با افتتاحیه امسال، خواهیم فهمید که اوضاع از چه قرار است.

در سال ۲۰۱۴ برزیل میزبان در اولین مسابقه مقابل کرواسی قدرتمند قرار گرفت. کرواسی در ابتدای بازی با گل به خودی مارسلو از حریف پیش افتاد و سرانجام با کمک‌های داور بازی و درخشش ستارگان موفق شد دو بار دروازه حریف بالکانی‌اش را باز کند. این دیدار

نقد

فرصتی که فردوسی‌پور از دست داد

نگاهی به حضور علی پروین در برنامه ۲۰۱۸

هومان دوراندیش

حضور علی پروین در برنامه ۲۰۱۸، اتفاق مهمی در تلویزیون ایران بود. علی پروین دوشنبه شب اولین‌بار در یک برنامه تلویزیونی در دوران پس از انقلاب حضور یافت. او از این حیث مثل محمدرضا شجریان است که فقط یک‌بار در برنامه نوروز ۷۳ رضایت داد که در تلویزیون ایران خودی نشان دهد و مشتاقانش را خشنود (و شاید هم ناخشنود) سازد! اگرچه عصر اقتدار کاریزماتیک علی پروین سپری شده و او در اثر حذف محترمانه‌اش از کانون فوتبال ایران، دیگر فاقد آن جلال و جبروت سابق است، ولی به هر حال پروین، پروین است. چهره و حرف زدن او، در کنار جایگاه بی‌بدیلش در تاریخ فوتبال ایران، موجب می‌شود که حضورش در یک برنامه تلویزیونی برای هر فوتبالدوستی مهم و دیدنی باشد. عادل فردوسی‌پور در برنامه دوشنبه شب البته به اشتباه گفت که حشمت مهاجرانی هم مثل علی پروین برای اولین‌بار در یک برنامه زنده تلویزیونی حضور یافته است. مهاجرانی چند سال قبل در برنامه زنده «استودیو ورزش» حاضر شده بود و درباره شرایط تیم ملی ایران حرف زده بود. اما هر چه بود، دوشنبه شب برای فردوسی‌پور و فوتبالدوستان ایرانی شب مهمی بود چراکه سرمربی و کاپیتان تیم ملی ایران در جام جهانی ۱۹۷۸، میهمانان برنامه ۲۰۱۸ بودند. اما اگر حضور پروین و مهاجرانی نقطه قوت این برنامه بود، سوالات و نحوه اجرای فردوسی‌پور نقطه ضعف ۲۰۱۸ در شبی چنان بود. عادل فردوسی‌پور مصاحبه‌کننده خوبی نیست چراکه اصولا به پرسیدن سوالات حاشیه‌ای علاقه بیشتری دارد تا سوالات جدی و عمیق. مثلا او حتی از حشمت مهاجرانی نپرسید که تیم ایران در ۱۹۷۸ با چه سیستمی در جام جهانی بازی می‌کرد. یا چرا ناصر حجازی نتوانست هیچ یک از چهار پنالتی آن جام را مهار کند؟ و اصولا آیا حجازی پنالتی‌گیر خوبی بود یا نه؟ یا هیچ سوالی درباره پرویز قلیچ‌خانی نپرسید. مردی که کاپیتان تیم ایران بود و به دلیل همراهی با انقلاب مردم ایران، قید بازی در جام جهانی را زد. و اینکه قلیچ‌خانی چه نقشی در عدم صعود به جام جهانی ۱۹۷۴ و صعود به جام ۱۹۷۸ داشت؟ یا مثلا نظر پروین درباره قلیچ‌خانی می‌توانست جذاب و مهم و تاریخی باشد. فردوسی‌پور هیچ یک از این سوالات تاریخی و فنی و سیاسی را مطرح نکرد و گیر داد به تبخال علی پروین! چند سال پیش هم که فردوسی‌پور بیرون از استودیوی برنامه نود با پروین مصاحبه کرده بود، درباره تبخال علی پروین سوال کرده بود.

واقعا آیا تبخال علی پروین اینقدر اهمیت دارد که هر سری بخشی از گفت‌وگوی یک مجری تلویزیونی با یکی از پنج بازیکن برتر تاریخ فوتبال ایران باید صرف سوال و جواب بی‌مایه‌ای شود که عاری از هر گونه فکر عمیقی است؟ آدم با خودش فکر می‌کند واقعا فردوسی‌پور اینقدر خالی‌الذهن است که موضوعی بهتر از تبخال پروین یا دعوای پروین و معدنچی، در آستین ندارد برای پرسیدن از اسطوره فوتبال ایران؟ وانگهی اگر علی پروین به مناسبت جام جهانی به برنامه ۲۰۱۸ دعوت شده و قرار است درباره حضور ایران در جام‌های جهانی حرف بزند، دو بار انتقاد ناموجهش از بازیکنی درجه ۳ به نام مهرزاد معدنچی در اوایل دهه ۱۳۸۰، چه اهمیتی دارد؟ بگذریم که موضوع پروین و معدنچی هم قصه‌ای صدبار پرسیده و تکراری و اساسا بی‌اهمیت است. جدا از این سوالات کم‌مایه و سخیف، خنده‌های عمیق فردوسی‌پور هم زائد و عجیب بود. اینکه مهمان برنامه چیزی بگوید و مجری بخندد کجا و اینکه دایما چنان به بالا و پایین و رفتار و گفتار مهمان بخندیم که گویا اساسا او را برای خندیدن خودمان به ۲۰۱۸ دعوت کرده‌ایم کجا! البته قابل درک است؛ فردوسی‌پور از دیدن علی پروین کیفور شده بود و در فضا سیر می‌کرد و مثل شاگردان حسن صباح که اصولا مستعد خنده بودند، او دوشنبه شب به هر چیزی می‌توانست بخندند؛ اما اینکه تکرار و شدت خنده‌های او به خلق و خو و کاراکتر پروین، کم‌وبیش توهین‌آمیز بود. اگر علی پروین سلطان است و - به قول خود فردوسی‌پور - شخصیت کاریزماتیکی دارد و همه غول‌های او فوتبال ایران از او حساب می‌برند، پس چرا عادل فردوسی‌پور آن قدر به این سلطان کاریزماتیک خندید آن هم از ته دل؟! بر فرض که صدر و ذیل پروین برای فردوسی‌پور خنده‌دار باشد. آیا بهتر نبود او موضوعاتی غیرکمیک را پیش می‌کشید و کمی جدی‌تر و محترمانه‌تر با پروین گفت‌وگو می‌کرد. فردوسی‌پور دوشنبه شب می‌توانست از اولین و چه بسا آخرین حضور زنده علی پروین در تلویزیون ایران، با سوالاتی جدی و رفتاری باطنا محترمانه، یک گفت‌وگوی تاریخی و ماندگار بیرون بکشد. فردوسی‌پور که قبلا مصاحبه‌اش با شهاب حسینی هم درنیامده بود، فرصت تاریخی مصاحبه با علی پروین را هم صرف کاری کرد که کم‌وبیش شبیه لودگی بود.

روایت

روایت مارسل دسایی از جام جهانی ۱۹۹۸

ژورکائف سر زیدان را هدف گرفت

مارسل دسایی

ترجمه: بهار سرلک

۲۰ سال از آن زمان گذشته اما من هرگز آن لحظه‌های شگفت‌آور را فراموش نخواهم کرد. من چطور توانستم؟ بازی در جام جهانی در خانه‌مان، رسیدن به فینال و سپس پیروزی، بهتر از این نمی‌شد و شانس یار ما بود که همه ما آماده این پیروزی بودیم.

می‌گویم شانس با ما یار بود چون بگذارید به شما بگویم که برزیل بهتر از ما بود. اما آن روز ما در بهترین فرم بودیم، هم از لحاظ فردی و هم جمعی. همچنین سرپرست باهوشی داشتیم که ضعف برزیلی‌ها را در ضربات شروع مجدد بازی شناسایی کرده بود.

شاید اینطور که من تعریف می‌کنم یادتان نباشد اما زین‌الدین زیدان تورنمنت چندان محشری را پشت سر نگذاشته بود چون از وقتی که در بازی با عربستان کارت قرمز گرفت، مدام در تقلا بود. ولی امه ژاکه به او گفت به هنگام پرتاب کرنرها منطقه را پوشش بدهد چون فکر می‌کرد از آن نقطه می‌توانیم به برزیلی‌ها ضربه بزنیم و یوری ژورکائف گفت سر زیزو را هدف می‌گیرد. گاهی طرحی که برای بازی ریخته می‌شود جواب می‌دهد، به همین راحتی! پس ما از دو کرنر امتیاز گرفتیم؛ دو پرتاب سر زیدان و گل امانوئل پتی که شیرجه در تشت عسل بود. ژاکه رهبری استثنایی بود. در مدیریت ما قوی بود. مثل پدر معنوی‌مان بود. پس از یورو ۹۶ - که در نیمه‌نهایی حذف شد - پیش ما اعتراف کرده بود که خطاهایی از او سر زده اما از آنها درس گرفته. ایمانی محض به بازیکنان داشت که در استفاده از آن مصمم بود. وابستگی راستینی به‌یکدیگر داشتیم.

او باهوش بود. می‌دانست چهره‌های قدری را در تیمش دارد؛ بازیکنانی باتجربه، رهبرانی مانند دیدیه دشان، لیلیان تورام، لوران بلان، یوری ژورکائف و من. ما که در باشگاه‌های بزرگ اروپا توپ زده بودیم در فوتبال به بلوغ رسیده و تجربه‌های گوناگونی را از سر گذرانده بودیم که در آمادگی برای چالش نهایی یاری‌مان می‌داد. ژاکه از ما می‌پرسید چه چیزهایی یاد گرفته‌ایم، او ما را درگیر طرح‌ریزی بازی می‌کرد و این خیلی مهم بود. ولی در نهایت او تنها تصمیم گیرنده بود. احتمالا تیم امروز فرانسه از تیم ما مستعدتر است البته اگر زیدان را از این معادله حذف کنید، اما آنها آن ویژگی‌های رهبری ما را ندارند. دیدیه کاپیتان بود و من کاپیتان دوم؛ از ۱۳ سالگی و زمانی که در تورنمنتی که با یکدیگر برای فرانسه در مجارستان بازی کردیم هم‌اتاقی بودیم. در مرکز آکادمی فوتبال کلیر فونتین بهترین اتاق را مال خودمان کردیم. قبل از ورودمان این اتاق را شناسایی کرده بودیم و به عنوان کاپیتان‌های تیم حق ما همین اتاق بود! امکانات اتاق ما با دیگر اتاق‌ها قابل مقایسه نبود و ما با ویژگی‌ای که در اختیار داشتیم، برای خنده خودمان را لرد جا می‌زدیم و به جوان‌ترها یادآوری می‌کردیم رییس کیست.

من همیشه به دیدیه نزدیک بودم. می‌توانستیم بین نیاز به تمرکز و میل خاصی به مسخره‌بازی در آوردن تعادل ایجاد کنیم. و لازم است بخندی چون فشار جام جهانی شوخی بردار نیست، حتی وقتی در خانه‌ات بازی می‌کنی این فشار بیشتر می‌شود. من و دیدیه در نانت شروع کردیم، لیگ قهرمانان را در مارسی بردیم و وقتی او برای یوونتوس توپ می‌زد و من با میلانی‌ها بازی می‌کردم رابطه‌مان را حفظ کردیم.

افت‌وخیزهای زیادی را با هم تجربه کردیم اما هیچ‌چیز مثل فشار این جام جهانی نبود. یادم می‌آید پس از بازی در مقابل آفریقای جنوبی چطور به یکدیگر نگاه کردیم؛ کاملا از پا درآمده بودیم. هیچ‌کس حقیقتا نمی‌دانست نتیجه بازی چه می‌شود اما ما درباره نیاز به یک شروع خوب کلی صحبت کرده بودیم. می‌دانستیم می‌توانیم با این تیم تا آخر پیش برویم فقط اگر مشی پویای مثبتی را به دست آوریم. گفتم که اضطراب در بازی اول خیلی زیاد بود - ما خیلی درباره آن حرف زده بودیم اما باز هم وقتی دیدیم که چقدر اضطراب و فشار آدم را از پای درمی‌آورد شوکه شده بودیم. خوشبختانه ما بازی اول را به آسانی بردیم و قوای‌مان سرجایش بود.

صحبت از اضطراب شد؛ چطور است درباره بازی یک‌چهارم نهایی در مقابل ایتالیا و ضربات پنالتی بگویم؟ این یعنی اضطراب! ما درباره این بازی صحبت کرده بودیم و اعتراف می‌کنم حس می‌کردیم ایتالیایی‌ها همیشه ترتیبی می‌دهند که یک پنالتی بیشتر از ما بگیرند. تعداد بازیکنان ما که در ایتالیا بازی کرده بودند، کم نبود و می‌دانستیم می‌توانند چه آدم‌های بدطینتی باشند. پس نوبت‌به‌پنالتی‌ها رسید و اولین فکرم این بود که من نمی‌خواهم پنالتی بزنم! این واقعا موقعیت مدیریت اضطراب بود و به یادماندنی است.

ژاکه پیش از بازی برخی از بازیکنان ارشد برای زدن پنالتی گماشته بود اما در آن وقت آنها کنار کشیدند و موضوع جالب این بود که جوان‌ترها داوطلب شدند. دیوید ترزگه می‌گفت: «من یکی می‌زنم» تیری آنری هم همین را گفت. تا وقتی که صحبت از پنالتی است از تو برای آنها استفاده می‌کنند و باید اعتماد بنفسش را داشته باشی.

من هرگز در پنج پنالتی‌زن نخست نبودم ولی می‌دانستم اگر ماجرا به ضربه‌های مرگ و زندگی برسد، من جزو پنج نفری بعدی خواهم بود. اما قسم می‌خورم امیدوار بودم این مسوولیت را عهده‌دار نشوم! وقتی کنار یکدیگر ایستاده بودیم و دست همدیگر را گرفتیم و هم‌بازی‌های‌مان را می‌دیدیم که پنالتی‌ها را می‌زنند، دل‌مان می‌خواست توپ‌ها وارد دروازه شوند تا ما دیگر مجبور به داوطلب شدن نباشیم! هنوز پس از ۲۰ سال آن احساس را به خاطر می‌آورم. خاطراتی شگفت‌آور که هرگز فراموش‌شان نمی‌کنم.

و حالا داستانی که خیلی‌ها از آن خبر ندارند. وقتی از بازی فینال اخراج شدم یکی از آدم‌های فیفا من را به اتاقی مخصوص کشاند چون اسم من در لیست بازیکنانی بود که باید تحت کنترل تیم ضددوپینگ قرار بگیرند. یک‌باره خودم را اتاقی دیدم که تلویزیون نداشت پس اصلا نمی‌دانستم بازی چطور پیش می‌رود. از کوره در رفتم! چطور می‌توانستم آنجا بمانم، بی‌خبر از دنیای بیرون، بی‌خبر از اتفاق‌هایی که در بازی می‌افتاد؟

نمی‌دانستم یک گل دیگر هم زده‌ایم، آیا هنوز هم نتیجه بازی به نفع ماست یا نه؟ تاب‌آور نبود و در این وقت بود که خطر کردم. یک صحنه بی‌نظیر خلق کردم! به آنها گفتم امکانش نیست در آنجا بمانم! برخلاف اینکه مامور فیفا تمام تلاشش را می‌کرد تا من را توجیه کند که تا وقتی «وظایفم را انجام نداده‌ام» اجازه ندارم از اتاق بیرون بروم، من راهم را باز کردم و بیرون آمدم. اگرچه تا آن زمان دیگر قید همه‌چیز را زده بودم! دیگر مهم نبود برای من چه اتفاقی می‌افتد باید می‌فهمیدم بازی چطور پیش می‌رود. نزدیک تونل جایی بود که تلویزیونی در آنجا قرار داشت و آنجا بود که دیدم هم‌بازی‌هایم قهرمان جهان شده‌اند. با سوت پایان بازی شور و شعف آن لحظه من را غرق خود کرد و به طرف زمین بازی دویدم. باید در میان هم‌بازی‌هایم می‌بودم، باید آن لحظات را با آنها سهیم می‌شدم و در آن عکس‌ها حضور می‌داشتم. بعد از اینکه ژاک شیراک مدال‌ها را به گردن ما آویخت و بعد از جشن‌های فینال بود که سرانجام به اتاق ضددوپینگ بازگشتم و وظایفم را انجام دادم.

The Guardian

دیدگاه

کهن‌الگوی انتقام در روسیه

علی ولی‌اللهی

همانطور که آلمان و برزیل در کسب افتخارات جام‌جهانی دوشادوش هم حرکت می‌کنند و در همین روسیه امکان دارد آلمان با قهرمانی، برزیل پرافتخار را پشت سر بگذارد، در گروه‌بندی جام‌جهانی هم در گروه‌های E و F کنار هم قرار گرفته‌اند. اتفاقی که می‌تواند باعث وقوع یک فینال زودرس در روسیه شود. اگر هر کدام از دو تیم آلمان یا برزیل در گروه‌شان دوم شوند و دیگری اول، متاسفانه در مرحله یک‌هشتم باید با یکی از این دو تیم خداحافظی کنیم. دو تیمی که امسال شانس‌های اول و دوم قهرمانی معرفی شدند. اما اگر اتفاق خاصی نیفتد و این دو تیم آماده طبق پیش‌بینی‌ها بتوانند به عنوان سرگروه صعود کنند، دیگر تا فینال به هم نخواهند خورد. دو تقابل اخیر برزیل و آلمان در جام‌های جهانی برمی‌گردد به فینال ۲۰۰۲ و نیمه‌نهایی ۲۰۱۴. اولی را طلایی‌پوشان با درخشش رونالدو بردند و برنده جام شدند. اما در بازی دوم این آلمان بود که در خانه حریف، مقابل چشمان ده‌ها هزار تماشاچی برزیلی و میلیون‌ها بیننده تلویزیونی، برزیل را به خاک و خون کشید. از همان لحظه آتشی بزرگ به پا شد که زبانه‌های آن تا روسیه کشیده شده. خیلی از فوتبال‌دوستان از تقابل مسی و رونالدو در فینال امسال حرف می‌زنند و آن را بزرگ‌ترین و جذاب‌ترین رخداد ممکن معرفی می‌کنند. ضمن احترام به نظر دوستان و اعتراف به این مساله که تقابل مسی و رونالدو در فینال جام‌جهانی اتفاقی بی‌نظیر است، اما باید گفت که اول از همه خیلی به نظر نمی‌رسد که شاهد چنین رخدادی باشیم (با توجه به نحوه تقابل تیم‌ها در مرحله حذفی) و دوم اینکه از تقابل دو فوق ستاره فوتبال جذاب‌تر، بازی برزیل و آلمان در فینال خواهد بود. از هر طرف که حساب کنیم این بازی حرف‌های بیشتری برای گفتن دارد.

تقابل برزیل با آلمان تقابل دو ملت است. یکی زخم‌خورده و دیگری فاتح. تقابلی است که در آن انگیزه قدرتمند انتقام موج می‌زند. کهن‌الگویی مخرب و منفی اما فوق‌العاده هیجان‌انگیز. کافی است به فهرست انبوه قصه‌ها و فیلم‌هایی که با محوریت انتقام نوشته یا ساخته شده‌اند نگاه کنیم تا بفهمیم آدم‌ها برای گرفتن انتقام چه کارهایی که نمی‌کنند. حالا اگر قصه انتقام برزیل از آلمان در فینال رخ بدهد که چه بهتر. فینالی که البته می‌تواند چیزهای زیاد دیگری را هم روشن کند. می‌تواند پرافتخارترین تیم جهان را عوض کند یا از آن طرف برزیل را تا مدت‌ها از دسترس سایر تیم‌ها دور کند.

انگلیس

عبور از یک‌چهارم نهایی پس از ۲۸ سال

رویای مردان جزیره

تیم ملی انگلستان در این جام جهانی می‌خواهد به ۲۸ سال ناکامی خاتمه دهد و برای اولین‌بار پس از جام جهانی ۱۹۹۰، از مرحله یک‌چهارم نهایی عبور کند. انگلستان با احتساب این جام، ۱۵ بار موفق به حضور در جام جهانی شده است. انگلیسی‌ها در ۱۴ دوره‌ای که تاکنون در جام جهانی حاضر بوده‌اند، فقط دو بار طعم عبور از مرحله یک‌چهارم نهایی را چشیده‌اند. بار اول قهرمان جهان شدند (۱۹۶۶)، بار دوم هم با بدشانسی در نیمه‌نهایی به آلمان باختند و نهایتا به عنوان چهارمی جهان دست یافتند (۱۹۹۰). انگلیسی‌ها در ۱۹۹۴ غایب بودند و در ۱۹۹۸ با اینکه تیم بسیار خوبی داشتند، اسیر موذیگری آرژانتینی‌ها شدند و در ضربات پنالتی، حتی از رسیدن به یک‌چهارم نهایی هم بازماندند. در ۲۰۰۲ و ۲۰۰۶ هم در یک‌چهارم نهایی به برزیل و پرتغال باختند. در ۲۰۱۰ مجددا اسیر قدرت ژرمن‌ها شدند ولی این‌بار در یک‌هشتم نهایی. در جام ۲۰۱۴ هم که در گروه‌شان حذف شدند. تیم کنونی انگلیس البته در حد و اندازه تیم ۱۹۹۸ یا ۲۰۰۶ نیست ولی وقتی ستاره‌هایی چون بکهام و لمپارد و جرارد و... نتوانستند کاری برای انگلستان بکنند، بازیکنان تیم فعلی دست‌کم خیال‌شان راحت است که مردم انگلستان انتظار چندانی از آنها ندارند. ولی از بد حادثه، انگلستان در جام جهانی ۲۰۱۸ هم به احتمال زیاد در مرحله یک‌چهارم نهایی باید با آلمان یا برزیل دست و پنجه نرم کند و کمتر کارشناسی پیروزی در برابر آلمان یواخیم لوو برزیل نیمار را در پیشانی‌نوشت این انگلستان می‌بینند. انگلیسی‌ها برای اینکه این‌بار از کمند یک‌چهارم نهایی بگریزند روی بازیکنانی حساب باز کرده‌اند که صرفا در لیگ خودشان درخشیده‌اند. هری کین، ماشین گلزنی تاتنهام و کاپیتان انگلیسی‌ها، امید اول طرفداران سه‌شیرها برای موفقیت در جام به حساب می‌آید. اما وقتی به سایر خطوط نگاه می‌کنیم، چیز دندان‌گیری نصیب‌مان نمی‌شود. واردی و استرلینگ و دلف و دایر و رشفورد و سایرین شاید بازیکنان جذابی به‌نظر برسند اما چهره یک تیم قهرمان را ندارند. و نه حتی چهره تیمی که بتواند از یک‌چهارم عبور کند. از آن طرف ساوت‌گیت که در سومین تجربه مربیگری زندگی‌اش به تیم ملی انگلستان راه پیدا کرده، گرچه نشان داده استعداد خوبی در طراحی تاکتیک‌های جدید فوتبال دارد، اما بی‌تجربگی‌اش ونداشتن مهره‌های کافی می‌تواند پاشنه آشیل او به حساب بیاید. تیم جوان شده انگلیس برای اینکه به سرنوشت دور پیش دچار نشود باید حواسش را حسابی جمع کند تا توسط تیم‌های بلژیک و تونس و پاناما سورپرایز نشود.

نگاه-۳

از ۲۰۱۴ تا ۲۰۱۸

همه مربیان چهار سال قبل

خیلی از فوتبالی‌ها ثبات را عامل موفقیت می‌دانند. مخصوصا ثبات در کادر فنی. این دسته از افراد معتقدند که مربی اگر فرصت کافی برای اجرای برنامه‌هایش داشته باشد می‌تواند در بلندمدت به موفقیت برسد. معمولا برای اثبات حرف‌شان هم از آلمان به عنوان نمونه موفق این تجربه و از کشورهای عربی حوزه خلیج‌فارس برای نشان دادن تغییرات زیاد و بی‌ثمر یاد می‌کنند. به همین بهانه نگاهی می‌اندازیم به مربیانی که از دوره قبلی جام‌جهانی همچنان روی نیمکت تیم‌شان نشسته‌اند.

یواخیم لو

برای آلمانی‌ها که کلا در دوران فوتبال ملی از ۱۰ سرمربی استفاده کرده‌اند، خیلی عجیب نیست که باز هم لو را به عنوان سرمربی بالای سر تیم ببینند. تئوریسین جذاب فوتبال که افتخار بزرگ قهرمانی جهان را با تیم ملی کشورش در کارنامه دارد، همواره توانسته تیمش را تا رده‌های بالای تورنمنت‌های معتبر برساند. حضور در فینال یورو ۲۰۰۸، حضور در نیمه‌نهایی یورو ۲۰۱۲ و یورو ۲۰۱۶ و جام‌جهانی ۲۰۱۰ و قهرمانی در جام کنفدراسیون‌های ۲۰۱۷ کارنامه کلی لو در تیم ملی آلمان به حساب می‌آید.

اسکار تابارز

از سال ۲۰۰۶ هدایت اروگوئه را به عهده گرفت. البته او قبلا بین سال‌های ۸۸ تا ۹۰ میلادی هم عهده‌دار این سمت بوده. تابارز در جام‌جهانی ۲۰۱۰ موفق شد پس از سال‌ها اروگوئه را به یک مقام درخور در جام‌جهانی برساند. اروگوئه با خط حمله فوق‌العاده، گروه ساده و حضور تابارز روی نیمکت امید زیادی به صعود به مراحل پایانی دارد.

دیدیه دشان

کاپیتان تیم قهرمان فرانسه در جام‌جهانی ۹۸ و یورو ۲۰۰۰، بعد از ناکامی بلان در یورو ۲۰۱۲ هدایت خروس‌ها را به عهده گرفت. حذف در یک‌چهارم جام‌جهانی برزیل به دست آلمان و از دست دادن قهرمانی یورو ۲۰۱۶ در خانه مقابل پرتغال بدون کریستیانو رونالدو، کارنامه دشان در تیم ملی فرانسه به حساب می‌آید. او با بازیکنان فوق‌العاده‌ای که امسال در اختیار دارد، امید زیادی به کسب موفقیت در جام‌جهانی دارد.

خوزه پکرمن

از سال ۲۰۱۲ هدایت کلمبیا را به‌عهده گرفت. بهترین نتیجه کلمبیا در جام جهانی، با حضور او در سال ۲۰۱۴ رقم خورد. با درخشش خامس رودریگز که آقای گل جام هم لقب گرفت. هم گروهی با تیم‌های لهستان، سنگال و ژاپن فرصت خوبی برای پکرمن و شاگردانش است که خودشان را به مراحل بعد برسانند.

کارلوس کی‌روش

مرد پرتغالی هفت سال است که روی نیمکت تیم‌ملی ایران نشسته. او اولین کسی به حساب می‌آید که موفق شده دو بار پیاپی ایران را به جام جهانی هدایت کند. بازی‌های ایران در برزیل اگرچه با نتیجه همراه نشد اما به نظر اهالی فوتبال راضی کننده بود. مخصوصا نمایش خیره کننده مقابل یاران مسی. از قول نشریه کیکر او محبوب‌ترین مربی تاریخ فوتبال ایران به‌حساب می‌آید. هرچند این اواخر حواشی او حرف و حدیث‌های فراوانی به وجود آورده، اما همچنان امید اول یوزها برای درخشش در جام‌جهانی، حضور باثبات او روی نیمکت تیم ملی ایران است.